

امام مغبون هاشمی شد اما مفتون او نشد! | داریوش سجادی

نامه مصطفی تاجزاده به احمد توکلی هر چند به نیت تشجیع مبارزه با فساد اقتصادی تحریر شده اما اقراریری بصورت ناخواسته توسط تاجزاده در بین سطور مکتوبش قرار گرفته که بخوبی می تواند مشکلات ساختاری این بخش از اصلاح طلبان را رمزگشائی کند (۱)

در مضمیق ترین شکل ممکن مطلب مستفاد از نامه تاجزاده موید یک نکته محوری است مبنی بر آنکه لااقل این بخش از اصلاح طلبان برای بازتولید مناسبات حسنه شان با حکومت بجای ۸۸ می بایست تکلیف خود را با ۵۷ روشن کنند.

حسب نامه تاجزاده مشخص شده ایشان قبل از «اختلافات ۸۸» اساساً فهم شان از «انقلاب اسلامی ۵۷» و تئوری ولایت فقیه مرحوم امام، فهمی ناراست و نامسموع است.

سطر به سطر نامه تاجزاده و احتجاجات وی خطاب به توکلی آکنده از فهمی «عرفی خوانشانه» از حکومتی است که در نقطه تباین با منظومه فکری مرحوم امامی قرار دارد که ولایت فقیه را استمرار حرکت انبیاء الهی و از شئون ولایت و امامت و اصول مذهب می انگاشت.

همین خوانش متباین تاجزاده با خوانش شیعیانه از «ولایت و حکومت» نقطه عزیمت همه بدفهمی های ایشان در امر مملکداری است و همین تباین منجر به آن شده تا تاجزاده در نامه خود بدون التفات به «شان رهبر» در ساختار «حکومت شیعیانه» صلاحیت های ذاتی رهبری را دخالت های نافی با «دمکراسی عرفی» استنباط کند. بر این مبنا غدير خُم برای تاجزاده ها تنها یک رویداد تاریخی و موزه ای است.

دومین غفلت مشهود تاجزاده ناتوانی وی در فهم چیستی مدیریت زیر پوستی آیت الله خامنه ای در مهار مهابت فساد اقتصادی افسارگسیخته دولت سازندگی است که تجلی اش در محاکمه شهردار وقت تهران (غلامحسین کرباسچی) متبلور شد.

این بی التفاتی نیز مانع از آن شده تا مشارالیه بتواند عمق عملکرد رهبری در مهار دستگاه بوروکراتیک و فاسد هاشمی رفسنجانی را سونداژ کند.

تاجزاده ساده اندیشانه بر این باور است ماجرای محاکمه کرباسچی یک رقابت زیر پوستی و مخالفت با چند دله دزدی فاقد اهمیت در بدنه شهرداری تهران بوده.

خیر جناب تاجزاده!

آیت الله خامنه ای بخوبی می دانست هاشمی رفسنجانی دزد نیست. هم چنان که بخوبی می دانست کرباسچی نیز در مقام یکی از ژنرال های هاشمی دزد نیست و دزدی نکرده.

مشکل نظام با هاشمی و دولت سازندگی آن بود که این کُلنی بصورتی «پاک دستانه» (!) و با دلبستگی های کورکورانه به الگوهای نئولیبرالیستی، دزدی و فساد اقتصادی را در ایران تئوریزه کردند.

ایشان دزد نبودند. تئوریسین دزدی بودند و با توسل به الگوهای نخ نما شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و «توسعه اقتصادی پول محور» بنیان فساد و اختلاس را در کشور بتونیزه کرده و مولد طبقه بلعنده و نامولد و بی خاصیت و نوکیسه ای شدند که بدون کمترین قابلیت، متفرعانه و فقیر ستیزانه تنها مطالبه گری داشتند.

کرباسچی برای تحویل چند دستگاه تایپ به مسجدی در گرگان محاکمه نشد. محاکمه کرباسچی محاکمه نماد تفرعن و تکبر پول سالاری بود که بذرش را هاشمی رفسنجانی در زمین حاصلخیز انقلاب اسلامی کاشت و آن کشتزار مرغوب را مبدل به شوره زار فقر و نکبت و دزدی و اختلاس کرد.

آیت الله خامنه ای ۸ سال مغبون ترفندهای لیزنقشانه هاشمی در ترویج اباحه سالاری نئولیبرالیستی بود. هم چنان که مرحوم امام نیز تا پایان عمر بسختی آن لیزماهی دنیای سیاست را مدیریت کرد هر چند هزینه های زیادی نیز آن مرحوم بابت عملکرد هاشمی داد.

هزینه های سنگینی اعم از تحمیل منتظری در قامت جانشین رهبری، یا تحمیل جام زهر ۵۹۸ و تلاش زیر پوستی ایشان جهت ایجاد رابطه با آمریکا.

هر چند امام نیز تا آن اندازه فراست داشت که فتنه منتظری را قبل از رحلت اش ولو به سختی جراحی کند و تلخی جام زهر ۵۹۸ را نیز با منشور استقامتی که در فردای پذیرش ۵۹۸ صادر کرد در کام هاشمی نیز تلخ کرد و بدین ترتیب با تبیین سرحدات آشتی ناپذیر حکومت با نظام

سلطه عملا دست جانشین خود را بازگذاشت تا بتواند تک روی ها و خود سری های محتمل هاشمی را مهار و مدیریت کند.

درخواست عودت وصیت نامه توسط امام در آذر ۶۶ و اضافه کردن چند خط به آن نشان از هوشمندی امام و آینده نگری ایشان داشت تا با اضافه کردن بخش زیر به وصیت نامه مانع از بازیگوشی های «بازیگوشان» بعد از خود شوند:

«اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود، مورد تصدیق نیست مگر آن که صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم ... من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه‌ی سالوسی و اسلام‌نمایی بعضی افراد، ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود؛ و میزان در هر کس حال فعلی او است»

اظهارات سال ۹۲ هاشمی رفسنجانی مبنی بر ارائه نامه دست نویس به امام و درخواست مطالبات ۷ گانه خود از امام، نشان داد شاید امام در فرازهای مغبون هاشمی شده اما مفتون ایشان نشده. (۲)

چیزی که امثال تاجزاده نتوانسته اند از این نبرد زیر پوستی بفهمند آن است که آیت الله خامنه ای نیز ادامه امام بود و مجبور بود به هر نحو مقتضی دیوان سالاری فاسد دولت سازندگی را مدیریت و مهار کند و پایان دولت هاشمی و آغاز دولت خاتمی فرصت مغتنمی بود تا حکومت فرصت بازسازی و تجدید قوا را از حواریون هاشمی گرفته تا بلکه آن مهابت افسار گسیخته را لگام کنند!

بخش عمده ای از بازداشتی های ۸۸ از جمله بازداشت همین «تاجزاده» نیز پیش دستی نظام در محروم کردن هاشمی از ژنرال های متبحرشان در سازماندهی آشوب های شهری بود تا از این طریق بتوانند تک سنگین هاشمی را به ذکاوت پاتک نمایند.

<https://bit.ly/2HYg2Fd>

۲ - در این مورد دو مقاله زیر را ببینید:

ما رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم

<https://bit.ly/2pD27Nf>

باشنده با شیطان

<https://bit.ly/2ueyM0q>

داریوش سجادی

4 فروردین 1397 / آمریکا